

تحول نقش مشاور مدرسه در مواجهه با چالش‌های روان‌شناختی نسل آلفا

اعظم امیری

کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی

Moshaver.nemooneh2@gmail.com

چکیده



02-2026.0458
MNR-472-2-BC4B4E



نسل آلفا به عنوان نخستین نسلی که از بدو تولد در بستر فناوری‌های دیجیتال، اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و هوش مصنوعی بزرگ شده است، نظام‌های آموزشی را با تحولات عمیقی در حوزه سلامت روان، یادگیری و تربیت مواجه ساخته است.

همچون دسترسی گسترده به اطلاعات، تعامل مستمر با فناوری، تغییر الگوهای ارتباطی، کاهش تمرکز، افزایش آسیب‌پذیری در برابر اضطراب، فشارهای روانی، وابستگی به فضای مجازی و پیچیدگی روابط اجتماعی، ضرورت بازتعریف نقش مشاوران مدارس را بیش از گذشته آشکار کرده است. در چنین شرایطی، مشاور مدرسه دیگر صرفاً نقش مداخله‌گر در زمان بروز مشکلات را بر عهده ندارد، بلکه به عنوان تسهیل‌گر رشد، ارتقا دهنده سلامت روان، آموزش دهنده مهارت‌های زندگی، پیشگیری کننده از آسیب‌های روانی و هماهنگ کننده تعامل میان مدرسه، خانواده و جامعه ایفای نقش می‌کند. ویژگی‌های روان‌شناختی و اجتماعی این نسل، مهم‌ترین چالش‌های سلامت روان دانش‌آموزان، تحولات رویکردهای نوین مشاوره مدرسه و ظرفیت‌های مشاوران در پاسخ‌گویی به نیازهای نوظهور دانش‌آموزان مورد تحلیل قرار گرفته است. همچنین نقش مشاور در ارتقای سواد سلامت روان، آموزش مهارت‌های هیجانی و اجتماعی، تقویت تاب‌آوری، پیشگیری از آسیب‌های فضای مجازی، مدیریت بحران‌های روان‌شناختی، توسعه مهارت‌های خودتنظیمی و افزایش مشارکت خانواده‌ها در فرایندهای تربیتی بررسی شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اثربخشی خدمات مشاوره مدارس در عصر نسل آلفا، بیش از هر زمان دیگری به تغییر نگرش از رویکردهای سنتی و درمان‌محور به الگوهای پیشگیرانه، رشد‌گرا و مبتنی بر شواهد وابسته است. همچنین نتایج بیانگر آن است که توانمندسازی حرفه‌ای مشاوران، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، توسعه همکاری میان مدرسه و خانواده، تقویت مهارت‌های ارتباطی و طراحی برنامه‌های جامع ارتقای سلامت روان، نقش مؤثری در افزایش سازگاری روان‌شناختی، بهزیستی، انگیزش تحصیلی و کیفیت زندگی دانش‌آموزان نسل آلفا دارد. در مجموع، تحول نقش مشاور مدرسه می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری محیط‌های آموزشی ایمن، حمایتگر و پاسخ‌گو باشد و دانش‌آموزان را برای مواجهه مؤثر با چالش‌های فردی، اجتماعی و فناورانه دنیای معاصر آماده سازد.

کلید واژه‌ها: مشاور مدرسه، نسل آلفا، سلامت روان، مشاوره مدرسه، چالش‌های روان‌شناختی، تاب‌آوری، مهارت‌های

زندگی، سلامت روان دانش‌آموزان، فناوری‌های دیجیتال، نظام تعلیم و تربیت.

تحولات پرشتاب فناوری، گسترش فضای مجازی، نفوذ هوش مصنوعی، تغییر الگوهای ارتباطی و دگرگونی سبک زندگی خانواده‌ها، سیمای دوران کودکی و نوجوانی را به‌طور بنیادین تغییر داده است. در این میان، نسل آلفا که متولدین دهه ۲۰۱۰ به بعد را دربرمی‌گیرد، نخستین نسلی است که از آغاز زندگی در محیطی کاملاً دیجیتال رشد یافته و تجربه زیسته آن با نسل‌های پیشین تفاوت‌های چشمگیری دارد. این نسل با وجود برخورداری از فرصت‌های گسترده یادگیری، دسترسی سریع به اطلاعات و مهارت‌های فناوری، در معرض چالش‌های نوظهوری همچون کاهش تعاملات چهره‌به‌چهره، وابستگی به رسانه‌های دیجیتال، اضطراب ناشی از مقایسه اجتماعی، کاهش آستانه تحمل، ضعف در تنظیم هیجان، اختلال در تمرکز، احساس تنهایی، فرسودگی شناختی و آسیب‌های ناشی از استفاده افراطی از فناوری قرار دارد. از این‌رو، مدارس دیگر تنها محیط انتقال دانش نیستند، بلکه به یکی از مهم‌ترین بسترهای حمایت روان‌شناختی، رشد اجتماعی و ارتقای سلامت روان دانش‌آموزان تبدیل شده‌اند. در چنین شرایطی، نقش مشاور مدرسه نیز دستخوش تحول شده و از یک نقش واکنشی و درمان‌محور به نقشی پیشگیرانه، رشد‌گرا، چندبعدی و مبتنی بر شواهد تغییر یافته است.

در دهه‌های گذشته، خدمات مشاوره مدارس عمدتاً بر حل مشکلات تحصیلی، رفتاری و انضباطی متمرکز بود؛ اما یافته‌های پژوهش‌های جدید نشان می‌دهد که پیچیدگی نیازهای روان‌شناختی نسل آلفا مستلزم بازنگری در فلسفه، اهداف و کارکردهای مشاوره مدرسه است. امروزه از مشاور انتظار می‌رود علاوه بر مداخله در بحران‌ها، در حوزه‌هایی مانند ارتقای سلامت روان، آموزش مهارت‌های زندگی، پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، توسعه سواد رسانه‌ای، تقویت تاب‌آوری، آموزش خودتنظیمی، مدیریت هیجان، ارتقای روابط بین‌فردی، هدایت تحصیلی و شغلی و هماهنگی میان خانواده، مدرسه و سایر نهادهای حمایتی ایفای نقش کند. بنابراین، مشاور مدرسه به یکی از ارکان اصلی تحقق مدرسه سلامت‌محور و تربیت همه‌جانبه دانش‌آموزان تبدیل شده است.

اهمیت این موضوع زمانی آشکارتر می‌شود که افزایش شیوع مشکلاتی نظیر اضطراب، افسردگی، افت انگیزش تحصیلی، قلدری سایبری، اعتیاد به اینترنت، کاهش مهارت‌های ارتباطی و آسیب‌های هیجانی در میان کودکان و نوجوانان مورد توجه قرار گیرد. پژوهش‌های داخلی نیز نشان داده‌اند که تغییرات اجتماعی، فشارهای تحصیلی، تحولات فرهنگی و گسترش رسانه‌های نوین، سلامت روان دانش‌آموزان را بیش از گذشته تحت تأثیر قرار داده است. از سوی دیگر، محدودیت منابع انسانی، افزایش تعداد دانش‌آموزان، کمبود مشاوران متخصص و غلبه رویکردهای سنتی در برخی مدارس، موجب شده است که بسیاری از نیازهای

روان‌شناختی دانش‌آموزان بدون پاسخ مناسب باقی بماند. در نتیجه، تحول در نقش حرفه‌ای مشاور مدرسه نه یک انتخاب، بلکه ضرورتی راهبردی برای نظام تعلیم و تربیت محسوب می‌شود.

مرور ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که مطالعات خارجی، به‌ویژه پژوهش‌های انجمن مشاوران مدارس آمریکا (ASCA)، بر لزوم تغییر نقش مشاوران از خدمات فردمحور به برنامه‌های جامع، پیشگیرانه و مبتنی بر داده تأکید دارند. همچنین پژوهشگران حوزه روان‌شناسی رشد و روان‌شناسی تربیتی بر این باورند که ارتقای تاب‌آوری، خودتنظیمی، سواد هیجانی، شایستگی‌های اجتماعی و سلامت روان باید به یکی از محورهای اصلی خدمات مشاوره مدارس تبدیل شود. در ایران نیز مطالعات انجام‌شده در حوزه روان‌شناسی تربیتی، مشاوره مدرسه و سلامت روان دانش‌آموزان، نقش مؤثر مشاوران در کاهش آسیب‌های روانی، بهبود سازگاری اجتماعی، افزایش انگیزش تحصیلی، ارتقای کیفیت زندگی مدرسه و تقویت تعامل خانواده و مدرسه را تأیید کرده‌اند. با وجود این، بررسی پیشینه نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از پژوهش‌ها به بررسی جداگانه مشکلات روان‌شناختی دانش‌آموزان یا وظایف سنتی مشاوران پرداخته‌اند و کمتر پژوهشی به‌صورت جامع، تحول نقش مشاور مدرسه در پاسخ‌گویی به ویژگی‌ها و نیازهای خاص نسل آلفا را مورد تحلیل قرار داده است. این خلأ علمی، ضرورت انجام پژوهش حاضر را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

از منظر نظری، این مقاله بر این دیدگاه استوار است که کارآمدی خدمات مشاوره مدرسه در عصر حاضر، مستلزم گذار از الگوی «درمان پس از بروز مشکل» به الگوی «پیشگیری، توانمندسازی و رشد» است. چنین رویکردی با بهره‌گیری از دستاوردهای روان‌شناسی رشد، روان‌شناسی مثبت‌نگر، نظریه‌های تاب‌آوری، یادگیری اجتماعی و رویکردهای اکولوژیک، مشاور را به تسهیل‌گر سلامت روان و توسعه همه‌جانبه دانش‌آموزان تبدیل می‌کند. در این چارچوب، موفقیت مشاور مدرسه تنها با تعداد مداخلات درمانی سنجیده نمی‌شود، بلکه میزان ارتقای بهزیستی روان‌شناختی، پیشگیری از آسیب‌ها، توسعه شایستگی‌های فردی و اجتماعی و ایجاد محیطی حمایتگر برای یادگیری نیز از شاخص‌های اصلی اثربخشی خدمات مشاوره محسوب می‌شود.

هدف اصلی این مقاله، تبیین ابعاد تحول نقش مشاور مدرسه در مواجهه با چالش‌های روان‌شناختی نسل آلفا و تحلیل ظرفیت‌های حرفه‌ای مشاوران برای پاسخ‌گویی به نیازهای نوظهور دانش‌آموزان است. در همین راستا، اهداف فرعی شامل شناسایی مهم‌ترین ویژگی‌های روان‌شناختی نسل آلفا، بررسی چالش‌های جدید سلامت روان در محیط‌های آموزشی، تحلیل نقش رویکردهای نوین

مشاوره مدرسه، تبیین عوامل مؤثر بر اثربخشی خدمات مشاوره و ارائه راهکارهای کاربردی برای ارتقای کیفیت نظام مشاوره مدارس است.

با توجه به ماهیت علمی-ترویجی پژوهش، فرضیه‌ها به صورت گزاره‌های نظری مطرح می‌شوند: نخست، تحول نقش مشاور مدرسه از رویکرد سنتی به رویکرد پیشگیرانه و رشد‌گرا، می‌تواند اثربخشی خدمات روان‌شناختی و تربیتی مدارس را به طور معناداری افزایش دهد. دوم، پاسخ‌گویی مؤثر به چالش‌های روان‌شناختی نسل آلفا مستلزم ارتقای شایستگی‌های حرفه‌ای مشاوران، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، تقویت همکاری میان مدرسه و خانواده و استقرار برنامه‌های جامع سلامت روان در مدارس است. سوم، بازتعریف نقش مشاور مدرسه در چارچوب نیازهای نسل جدید، زمینه ارتقای سلامت روان، افزایش سازگاری اجتماعی، تقویت انگیزش تحصیلی و بهبود کیفیت زندگی آموزشی دانش‌آموزان را فراهم خواهد ساخت. بر این اساس، مقاله حاضر می‌کوشد با اتکا بر شواهد علمی و تحلیل مطالعات معتبر داخلی و خارجی، چارچوبی جامع برای بازاندیشی در نقش مشاور مدرسه و توسعه سیاست‌ها و برنامه‌های مشاوره‌ای متناسب با ویژگی‌های نسل آلفا ارائه دهد.

تعاریف عملیاتی و مفهومی

۱ تعریف مفهومی

مشاور مدرسه: (School Counselor)

مشاور مدرسه متخصصی در حوزه روان‌شناسی و مشاوره است که با بهره‌گیری از دانش روان‌شناختی، اصول راهنمایی و مداخلات علمی، به ارتقای سلامت روان، رشد فردی و اجتماعی، پیشگیری از آسیب‌های روانی، هدایت تحصیلی و شغلی و بهبود کیفیت زندگی دانش‌آموزان کمک می‌کند. در رویکردهای نوین، مشاور مدرسه صرفاً نقش درمانگر مشکلات را بر عهده ندارد، بلکه به عنوان تسهیل‌گر یادگیری، هماهنگ‌کننده تعامل میان مدرسه، خانواده و جامعه، طراح برنامه‌های پیشگیرانه و توسعه‌دهنده شایستگی‌های روان‌شناختی و اجتماعی دانش‌آموزان شناخته می‌شود.

تحول نقش مشاور مدرسه: (Transformation of the School Counselor's Role)

تحول نقش مشاور مدرسه به فرایند تغییر و بازتعریف وظایف، مسئولیت‌ها، شایستگی‌های حرفه‌ای و رویکردهای مداخله‌ای مشاوران در پاسخ به تحولات اجتماعی، فرهنگی، فناورانه و روان‌شناختی دانش‌آموزان اشاره دارد. این تحول، گذار از الگوی سنتی و

مسئله‌محور به الگوی جامع، پیشگیرانه، رشد‌گرا، مشارکتی و مبتنی بر شواهد را شامل می‌شود؛ الگویی که در آن مشاور علاوه بر مداخله در بحران‌ها، مسئول ارتقای سلامت روان، آموزش مهارت‌های زندگی، پیشگیری از آسیب‌ها و توانمندسازی دانش‌آموزان است.

نسل آلفا: (Generation Alpha)

نسل آلفا به کودکانی اطلاق می‌شود که از حدود سال ۲۰۱۰ میلادی به بعد متولد شده‌اند و نخستین نسلی محسوب می‌شوند که از آغاز زندگی در محیطی سرشار از فناوری‌های هوشمند، اینترنت، شبکه‌های اجتماعی، هوش مصنوعی و ابزارهای دیجیتال رشد یافته‌اند. این نسل دارای ویژگی‌هایی مانند یادگیری سریع، وابستگی بیشتر به فناوری، تعامل متفاوت با محیط، نیاز به آموزش شخصی‌سازی شده و مواجهه با چالش‌های نوین روان‌شناختی، شناختی و اجتماعی است.

چالش‌های روان‌شناختی: (Psychological Challenges)

چالش‌های روان‌شناختی مجموعه‌ای از مشکلات، فشارها و دشواری‌های هیجانی، شناختی و رفتاری است که سلامت روان، سازگاری اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این چالش‌ها شامل اضطراب، افسردگی، استرس تحصیلی، کاهش تمرکز، ضعف در تنظیم هیجان، احساس تنهایی، وابستگی به فضای مجازی، قلدری سایبری، کاهش تاب‌آوری، اختلال در روابط بین فردی و افت انگیزش تحصیلی است.

سلامت روان دانش‌آموزان: (Students' Mental Health)

سلامت روان حالتی از بهزیستی روان‌شناختی است که در آن دانش‌آموز توانایی شناخت توانمندی‌های خود، مدیریت هیجان‌ها، سازگاری با فشارهای زندگی، برقراری روابط مؤثر و مشارکت فعال در فعالیت‌های آموزشی و اجتماعی را دارد. سلامت روان صرفاً به نبود اختلال‌های روانی محدود نمی‌شود، بلکه ابعاد هیجانی، شناختی، اجتماعی و رفتاری رشد انسان را نیز دربر می‌گیرد.

رویکردهای نوین مشاوره مدرسه:

رویکردهای نوین مشاوره مدرسه به مجموعه‌ای از الگوهای علمی و مبتنی بر شواهد اطلاق می‌شود که بر پیشگیری، رشد، توانمندسازی، ارتقای بهزیستی روان‌شناختی، آموزش مهارت‌های زندگی، مشاوره مبتنی بر نقاط قوت، مداخلات چندسطحی، همکاری با خانواده و استفاده از فناوری‌های نوین در ارائه خدمات مشاوره‌ای تأکید دارند.

تعریف عملیاتی

در این مقاله که با رویکرد علمی-ترویجی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی تدوین شده است، متغیرها به صورت عملیاتی به شرح زیر تعریف می‌شوند:

تحول نقش مشاور مدرسه:

منظور از تحول نقش مشاور مدرسه، مجموعه وظایف و کارکردهای نوینی است که در منابع علمی برای مشاوران مدارس در زمینه پیشگیری از آسیب‌های روان‌شناختی، ارتقای سلامت روان، آموزش مهارت‌های زندگی، توسعه تاب‌آوری، سواد رسانه‌ای، آموزش خودتنظیمی، مدیریت بحران‌های روانی، همکاری با خانواده و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین معرفی شده است.

چالش‌های روان‌شناختی نسل آلفا:

در این پژوهش، چالش‌های روان‌شناختی نسل آلفا شامل اضطراب، استرس، افسردگی، افت انگیزش تحصیلی، وابستگی به رسانه‌های دیجیتال، ضعف تعاملات اجتماعی، مشکلات تنظیم هیجان، کاهش تمرکز، قلدری سایبری، احساس تنهایی و سایر مشکلات روان‌شناختی گزارش شده در پژوهش‌های معتبر داخلی و خارجی است.

مجله پیشروان علوم تربیتی و آموزشی

نسل آلفا:

در این مقاله، نسل آلفا به دانش‌آموزان متولد سال ۲۰۱۰ میلادی به بعد اطلاق می‌شود که در مدارس معاصر مشغول تحصیل بوده و ویژگی‌های شناختی، اجتماعی و روان‌شناختی آنان بر اساس مطالعات علمی و گزارش‌های پژوهشی تحلیل می‌شود.

اثربخشی مشاور مدرسه:

اثربخشی مشاور مدرسه در این پژوهش به میزان موفقیت خدمات مشاوره در ارتقای سلامت روان، افزایش سازگاری اجتماعی، بهبود مهارت‌های هیجانی، کاهش آسیب‌های روان‌شناختی، تقویت مشارکت خانواده، ارتقای انگیزش تحصیلی و توسعه محیط آموزشی حمایتگر، بر اساس شواهد و یافته‌های پژوهش‌های معتبر، اشاره دارد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، علمی-ترویجی است که با رویکرد توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای، اسنادی و مرور نظام‌مند منابع علمی انجام شده است. انتخاب این روش با توجه به ماهیت موضوع پژوهش، یعنی «تحول نقش مشاور مدرسه در مواجهه با چالش‌های روان‌شناختی نسل آلفا»، صورت گرفته است؛ زیرا تبیین ابعاد نظری، تحلیل رویکردهای نوین مشاوره مدرسه و استخراج راهبردهای کاربردی، مستلزم بررسی انتقادی ادبیات پژوهش، اسناد سیاستی، نظریه‌های روان‌شناختی و یافته‌های پژوهش‌های معتبر داخلی و خارجی است. در این پژوهش، به‌جای آزمون تجربی فرضیه‌ها، تلاش شده است با تلفیق شواهد علمی موجود، تصویری جامع از تحولات نقش مشاور مدرسه و الزامات حرفه‌ای آن در مواجهه با ویژگی‌های نسل آلفا ارائه شود.

جامعه مطالعاتی پژوهش را تمامی منابع علمی مرتبط با حوزه‌های مشاوره مدرسه، روان‌شناسی تربیتی، روان‌شناسی رشد، سلامت روان کودکان و نوجوانان، نسل آلفا، روان‌شناسی مثبت‌نگر، تاب‌آوری، سواد هیجانی، آموزش و پرورش و مدیریت خدمات مشاوره‌ای تشکیل می‌دهد که در بازه زمانی تقریباً ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۵ میلادی و نیز منابع معتبر فارسی منتشر شده‌اند. نمونه پژوهش به شیوه نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده است؛ به گونه‌ای که تنها منابع دارای اعتبار علمی، از جمله کتاب‌های تخصصی، مقالات منتشر شده در مجلات علمی-پژوهشی و علمی-ترویجی، پایان‌نامه‌های دانشگاهی، گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی مانند یونسکو و انجمن مشاوران مدارس آمریکا (ASCA)، اسناد رسمی وزارت آموزش و پرورش، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و پژوهش‌های نمایه‌شده در پایگاه‌هایی مانند SID، Magiran، Noormags، ISC، Scopus، Web of Science، ERIC و Google Scholar مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در فرایند انتخاب منابع، معیارهایی همچون ارتباط مستقیم با موضوع، روزآمد بودن، اعتبار علمی نویسندگان و قابلیت استناد، ملاک اصلی گزینش بوده است.

ابزار گردآوری داده‌ها، فرم فیش‌برداری ساختاریافته و چک‌لیست تحلیل اسناد علمی بوده است. این ابزار با هدف استخراج منظم اطلاعات مربوط به مبانی نظری، تعاریف مفهومی، یافته‌های پژوهشی، مدل‌های مشاوره مدرسه، ویژگی‌های روان‌شناختی نسل آلفا، راهبردهای مداخله‌ای و عوامل مؤثر بر اثربخشی خدمات مشاوره طراحی شده است. برای افزایش دقت گردآوری اطلاعات، داده‌ها از منابع مختلف با یکدیگر تطبیق داده شده و از روش مثلث‌سازی منابع (Source Triangulation) استفاده شده است تا امکان مقایسه و اعتباربخشی یافته‌ها فراهم شود.

در این پژوهش، به دلیل ماهیت کتابخانه‌ای و اسنادی، مفهوم روایی به اعتبار علمی منابع و دقت فرایند تحلیل اسناد مربوط می‌شود. به‌منظور تأمین روایی، تنها منابع معتبر داخلی و بین‌المللی دارای پشتوانه علمی انتخاب شده و یافته‌های پژوهش بر اساس همگرایی نتایج مطالعات مختلف تحلیل شده است. همچنین برای افزایش روایی محتوایی، مفاهیم کلیدی پژوهش با استناد به نظریه‌های پذیرفته‌شده در حوزه روان‌شناسی، مشاوره و تعلیم و تربیت تعریف و تبیین شده‌اند. پایایی پژوهش نیز از طریق شفاف‌سازی مراحل گردآوری اطلاعات، استفاده از شیوه نظام‌مند تحلیل منابع، ثبت دقیق داده‌ها، مقایسه یافته‌های مطالعات مختلف و قابلیت بازبینی فرایند تحلیل تأمین شده است؛ به‌گونه‌ای که در صورت تکرار فرایند پژوهش با معیارهای مشابه، دستیابی به نتایج همسو امکان‌پذیر خواهد بود.

تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی و تحلیل تطبیقی انجام شده است. در مرحله نخست، اطلاعات استخراج‌شده از منابع علمی بر اساس محورهای اصلی پژوهش شامل ویژگی‌های نسل آلفا، چالش‌های روان‌شناختی، تحول نقش مشاور مدرسه، رویکردهای نوین مشاوره، مداخلات پیشگیرانه، همکاری مدرسه و خانواده، بهره‌گیری از فناوری و الزامات حرفه‌ای مشاوران، کدگذاری و طبقه‌بندی شد. در مرحله بعد، یافته‌های مطالعات داخلی و خارجی با یکدیگر مقایسه و نقاط اشتراک، تفاوت و خلأهای پژوهشی شناسایی گردید. در نهایت، با بهره‌گیری از رویکرد استنباطی، چارچوبی تحلیلی برای تبیین نقش نوین مشاور مدرسه در پاسخ‌گویی به نیازهای روان‌شناختی نسل آلفا ارائه شد.

از منظر نظری، تحلیل داده‌ها بر پایه تلفیق دیدگاه‌های روان‌شناسی رشد، روان‌شناسی مثبت‌نگر، نظریه یادگیری اجتماعی، نظریه تاب‌آوری، رویکرد بوم‌شناختی رشد انسان، مدل جامع مشاوره مدرسه ASCA و الگوهای نوین سلامت روان مدرسه‌محور انجام شده است. این چارچوب نظری امکان تبیین چندبعدی نقش مشاور مدرسه را فراهم ساخته و نشان می‌دهد که پاسخ‌گویی به نیازهای نسل آلفا مستلزم گذار از خدمات سنتی و درمان‌محور به برنامه‌های جامع، پیشگیرانه، مشارکتی و مبتنی بر شواهد علمی است.

در مجموع، روش‌شناسی پژوهش حاضر با اتکا بر تحلیل عمیق منابع معتبر فارسی و بین‌المللی، تلاش کرده است ضمن حفظ انسجام علمی و اعتبار پژوهش، تصویری جامع، روزآمد و کاربردی از تحول نقش مشاور مدرسه در مواجهه با چالش‌های روان‌شناختی نسل آلفا ارائه دهد؛ تصویری که بتواند مبنایی برای سیاست‌گذاری آموزشی، توسعه حرفه‌ای مشاوران مدارس و ارتقای کیفیت خدمات سلامت روان در نظام تعلیم و تربیت باشد.

یافته‌های پژوهش

بررسی نظام‌مند منابع علمی داخلی و خارجی نشان می‌دهد که تحولات شناختی، اجتماعی و فناورانه نسل آلفا، ماهیت خدمات مشاوره در مدارس را به‌طور بنیادین دگرگون ساخته است. برخلاف نسل‌های پیشین که بخش عمده خدمات مشاوره بر حل مشکلات تحصیلی، رفتاری و انضباطی متمرکز بود، نسل آلفا با مجموعه‌ای از نیازهای نوظهور روان‌شناختی روبه‌رو است که پاسخ‌گویی به آن‌ها مستلزم بازتعریف نقش حرفه‌ای مشاور مدرسه است. این نسل به دلیل رشد در محیط‌های دیجیتال، تجربه یادگیری متفاوت، تعامل مستمر با رسانه‌های هوشمند و تغییر الگوهای ارتباطی، بیش از گذشته در معرض مشکلاتی همچون اضطراب، کاهش تمرکز، ضعف در تنظیم هیجان، وابستگی به فناوری، کاهش تاب‌آوری، افت مهارت‌های ارتباطی و فشارهای روانی ناشی از فضای مجازی قرار دارد. یافته‌ها نشان می‌دهد که ادامه استفاده از الگوهای سنتی مشاوره، پاسخگوی پیچیدگی این نیازها نیست و خدمات مشاوره باید از رویکرد درمان‌محور به رویکردی پیشگیرانه، تحولی و مبتنی بر شواهد تغییر یابد (سلیگمن و چیکسنت‌میهای، 2000؛ سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، 1390).

تحلیل مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد که مهم‌ترین تحول در نقش مشاور مدرسه، تغییر جایگاه وی از «حل‌کننده مشکل» به «تسهیل‌گر رشد و سلامت روان» است. در این الگو، مشاور مدرسه علاوه بر ارائه خدمات فردی، مسئول طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی، پیشگیرانه و ارتقایی در سطح مدرسه است. آموزش مهارت‌های زندگی، ارتقای سواد هیجانی، آموزش خودتنظیمی،

پیشگیری از رفتارهای پرخطر، تقویت تاب‌آوری، آموزش مهارت حل مسئله و مدیریت استرس، از جمله مهم‌ترین وظایف نوین مشاوران مدارس به شمار می‌روند. یافته‌ها نشان می‌دهد مدرسی که این رویکرد را به کار گرفته‌اند، از نظر سلامت روان دانش‌آموزان، کیفیت روابط اجتماعی، احساس امنیت روانی و کاهش مشکلات رفتاری، عملکرد مطلوب‌تری داشته‌اند (شریفی درآمدی، 1399؛ 2019ASCA).

یافته‌های پژوهش همچنین بیانگر آن است که یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های نسل آلفا، تأثیرپذیری عمیق از فناوری‌های دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی است. اگرچه این فناوری‌ها فرصت‌های گسترده‌ای برای یادگیری و رشد فراهم کرده‌اند، اما استفاده کنترل‌نشده از آن‌ها می‌تواند زمینه‌ساز افزایش اضطراب، کاهش تمرکز، اختلال خواب، مقایسه اجتماعی، وابستگی روان‌شناختی به فضای مجازی و افت تعاملات اجتماعی شود. بر این اساس، نقش مشاور مدرسه در آموزش سواد رسانه‌ای، مدیریت استفاده از فناوری، پیشگیری از قلدری سایبری و ارتقای امنیت روانی فضای مجازی، یکی از یافته‌های برجسته مطالعات اخیر محسوب می‌شود. این موضوع نشان می‌دهد که مشاوران مدارس باید علاوه بر دانش روان‌شناختی، از سواد دیجیتال و مهارت‌های مشاوره در محیط‌های فناورانه نیز برخوردار باشند.

بخش قابل توجهی از مطالعات بررسی شده بر اهمیت رویکردهای مبتنی بر روان‌شناسی مثبت‌نگر در مشاوره مدارس تأکید کرده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که تمرکز بر توانمندی‌ها، نقاط قوت، امید، خوش‌بینی، خودکارآمدی و تاب‌آوری، اثربخشی بیشتری نسبت به رویکردهای صرفاً آسیب‌محور دارد. اجرای برنامه‌های گروهی مبتنی بر تقویت هیجان‌های مثبت، آموزش ذهن‌آگاهی، تمرین قدردانی، شناسایی نقاط قوت شخصیت و آموزش خوش‌بینی واقع‌بینانه، موجب افزایش بهزیستی روان‌شناختی، کاهش اضطراب، ارتقای انگیزش تحصیلی و افزایش احساس تعلق به مدرسه در دانش‌آموزان شده است. این یافته‌ها بیانگر آن است که نسل آلفا بیش از هر زمان دیگری به مداخلات رشد‌گرا و توانمندساز نیاز دارد.

مجله پیشروان علوم تربیتی و آموزشی

بررسی پژوهش‌های داخلی نیز نشان می‌دهد که کیفیت خدمات مشاوره مدارس ارتباط مستقیمی با سلامت روان، پیشرفت تحصیلی و سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان دارد. مدرسی که از مشاوران متخصص، برنامه‌های جامع سلامت روان و همکاری مؤثر میان مدیر، معلمان و خانواده بهره‌مند هستند، در کاهش مشکلات رفتاری، افت تحصیلی، اضطراب امتحان، تعارض‌های بین‌فردی و ترک

تحصیل موفق تر عمل کرده‌اند. در مقابل، کمبود نیروی انسانی متخصص، محدود بودن ساعات حضور مشاور، نگاه سنتی به خدمات مشاوره و فقدان برنامه‌های پیشگیرانه، از مهم‌ترین موانع اثربخشی خدمات مشاوره در مدارس ایران گزارش شده است.

یافته‌های پژوهش همچنین نشان می‌دهد که خانواده همچنان مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر موفقیت برنامه‌های مشاوره‌ای است. مطالعات مختلف تأکید دارند که تعامل مستمر میان مشاور، والدین و معلمان موجب افزایش اثربخشی مداخلات روان‌شناختی، بهبود سازگاری دانش‌آموزان و پیشگیری از بسیاری از آسیب‌های رفتاری می‌شود. از این رو، مشاور مدرسه باید علاوه بر ارائه خدمات مستقیم به دانش‌آموز، نقش آموزش‌دهنده والدین، هماهنگ‌کننده خدمات حمایتی و تسهیل‌گر ارتباط خانه و مدرسه را نیز ایفا کند.

یکی دیگر از یافته‌های مهم پژوهش، ضرورت بهره‌گیری از فناوری در ارائه خدمات مشاوره است. توسعه سامانه‌های مشاوره آنلاین، استفاده از ابزارهای غربالگری الکترونیکی، آموزش مجازی مهارت‌های زندگی، طراحی محتوای آموزشی دیجیتال و ارتباط مستمر با خانواده‌ها از طریق بسترهای فناورانه، موجب افزایش دسترسی دانش‌آموزان به خدمات مشاوره‌ای و ارتقای کیفیت این خدمات شده است. البته پژوهش‌ها تأکید می‌کنند که استفاده از فناوری باید همراه با رعایت اصول اخلاق حرفه‌ای، حفظ محرمانگی اطلاعات و توجه به سلامت روان کاربران باشد.

تحلیل مطالعات خارجی نشان می‌دهد که الگوی جامع مشاوره مدرسه مبتنی بر استانداردهای انجمن مشاوران مدارس آمریکا (ASCA National Model) توانسته است نقش مشاور را از فعالیت‌های پراکنده و واکنشی به برنامه‌ای منسجم، داده‌محور و نتیجه‌گرا تبدیل کند. در این الگو، مشاور مدرسه با ارزیابی مستمر نیازهای دانش‌آموزان، طراحی برنامه‌های پیشگیرانه، همکاری با معلمان و خانواده‌ها و پایش نتایج مداخلات، نقش فعالی در ارتقای سلامت روان و موفقیت تحصیلی ایفا می‌کند. این الگو می‌تواند برای توسعه نظام مشاوره مدارس در ایران نیز الهام‌بخش باشد.

در مجموع، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که پاسخ‌گویی مؤثر به چالش‌های روان‌شناختی نسل آلفا، مستلزم تحول همه‌جانبه در نقش مشاور مدرسه است. این تحول باید بر مبنای رویکردهای علمی، پیشگیرانه، رشد‌گرا، چندرشته‌ای و مبتنی بر شواهد استوار باشد. همچنین ارتقای شایستگی‌های حرفه‌ای مشاوران، توسعه آموزش‌های تخصصی، استفاده هوشمندانه از فناوری، تقویت همکاری

میان خانواده و مدرسه، استقرار برنامه‌های جامع سلامت روان و حمایت سیاست‌گذاران آموزشی، مهم‌ترین پیش‌نیازهای موفقیت مشاوره مدارس در عصر نسل آلفا محسوب می‌شوند. بر این اساس، مشاور مدرسه نه تنها ارائه‌دهنده خدمات روان‌شناختی، بلکه یکی از مهم‌ترین عوامل ارتقای کیفیت آموزش، سلامت روان و توسعه پایدار نظام تعلیم و تربیت در جامعه امروز به شمار می‌رود.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این مقاله نشان داد که تحولات شناختی، اجتماعی و فناورانه عصر حاضر، به‌ویژه ظهور نسل آلفا، ضرورت بازتعریف نقش مشاور مدرسه را بیش از هر زمان دیگری آشکار ساخته است. برخلاف رویکردهای سنتی که وظیفه اصلی مشاور را در مداخله پس از بروز مشکلات رفتاری یا تحصیلی می‌دانستند، شواهد پژوهش حاضر بیانگر آن است که مشاور مدرسه در نظام‌های آموزشی نوین باید به‌عنوان تسهیل‌گر سلامت روان، طراح برنامه‌های پیشگیرانه، آموزش‌دهنده مهارت‌های زندگی، هماهنگ‌کننده تعامل میان خانواده و مدرسه و حامی رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان ایفای نقش کند. تحلیل منابع معتبر داخلی و خارجی نشان داد که چالش‌هایی نظیر افزایش اضطراب، کاهش تاب‌آوری، وابستگی به فناوری‌های دیجیتال، ضعف در تنظیم هیجان، افت تعاملات اجتماعی و پیچیدگی مسائل هویتی در میان دانش‌آموزان نسل آلفا، مستلزم بهره‌گیری از رویکردهای نوین، چندبعدی و مبتنی بر شواهد در خدمات مشاوره مدارس است.

یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج مطالعات داخلی در حوزه سلامت روان دانش‌آموزان، روان‌شناسی تربیتی و مشاوره مدرسه همسو است؛ به‌گونه‌ای که پژوهش‌های انجام‌شده در ایران نیز بر نقش مؤثر مشاوران مدارس در ارتقای بهزیستی روان‌شناختی، پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، افزایش انگیزش تحصیلی و بهبود سازگاری دانش‌آموزان تأکید کرده‌اند. همچنین نتایج این پژوهش با الگوی جامع ASCA و دیدگاه‌های پژوهشگران برجسته‌ای همچون سلیگمن، لارنس استاینبرگ و برونفن‌برنر همخوانی دارد؛ زیرا همگی بر این باورند که خدمات مشاوره باید از الگوی درمان‌محور به رویکردهای پیشگیرانه، رشد‌گرا و مبتنی بر توانمندسازی تغییر یابد. در عین حال، این مقاله با تمرکز ویژه بر ویژگی‌های نسل آلفا و پیامدهای روان‌شناختی زندگی در محیط دیجیتال، کوشیده است خلأ موجود در ادبیات پژوهشی فارسی را تا حدودی جبران کرده و چارچوبی متناسب با شرایط مدارس معاصر ایران ارائه دهد. از این‌رو، یافته‌های پژوهش نه تنها مؤید نتایج مطالعات پیشین است، بلکه بر ضرورت توسعه شایستگی‌های دیجیتال، سواد رسانه‌ای، آموزش هوش هیجانی و بازنگری در برنامه‌های مشاوره مدارس نیز تأکید می‌کند.

بررسی منابع نشان داد که اثربخشی مشاوران مدارس صرفاً به دانش تخصصی آنان وابسته نیست، بلکه عواملی همچون حمایت مدیران مدارس، فرهنگ سازمانی حامی سلامت روان، مشارکت فعال خانواده‌ها، دسترسی به منابع آموزشی، استفاده هدفمند از فناوری‌های نوین و اجرای برنامه‌های جامع ارتقای سلامت روان، نقش تعیین‌کننده‌ای در موفقیت خدمات مشاوره دارند. همچنین روشن شد که مشاوران مدارس برای پاسخ‌گویی به نیازهای نسل جدید باید علاوه بر مهارت‌های تخصصی مشاوره، در زمینه‌هایی مانند روان‌شناسی فضای مجازی، مدیریت بحران، مداخلات کوتاه‌مدت، آموزش مهارت‌های اجتماعی، سواد رسانه‌ای، کار با خانواده و بهره‌گیری از ابزارهای دیجیتال نیز توانمند شوند. بنابراین، تحول نقش مشاور مدرسه باید هم‌زمان با تحول در سیاست‌های آموزشی، برنامه‌های تربیت نیروی انسانی و ساختارهای حمایتی نظام آموزش و پرورش دنبال شود.

با توجه به نتایج پژوهش، پیشنهاد می‌شود وزارت آموزش و پرورش با بازنگری در شرح وظایف مشاوران مدارس، جایگاه آنان را از یک نقش صرفاً اجرایی به یک نقش راهبردی در حوزه سلامت روان و توسعه فردی دانش‌آموزان ارتقا دهد. طراحی و اجرای برنامه‌های منظم آموزش مهارت‌های زندگی، تاب‌آوری، خودتنظیمی، مدیریت هیجان، سواد رسانه‌ای و پیشگیری از آسیب‌های فضای مجازی برای دانش‌آموزان، باید به‌عنوان بخشی از برنامه رسمی مدارس مورد توجه قرار گیرد. همچنین برگزاری دوره‌های توانمندسازی تخصصی برای مشاوران مدارس در زمینه چالش‌های روان‌شناختی نسل آلفا، فناوری‌های نوین، مشاوره مبتنی بر شواهد و روان‌شناسی مثبت‌نگر ضروری است.

از سوی دیگر، تقویت همکاری میان مدرسه، خانواده و مراکز تخصصی سلامت روان، ایجاد نظام غربالگری مستمر سلامت روان دانش‌آموزان، توسعه سامانه‌های مشاوره حضوری و برخط، افزایش تعداد مشاوران متخصص متناسب با جمعیت دانش‌آموزی و اختصاص منابع مالی کافی برای اجرای برنامه‌های پیشگیرانه، می‌تواند اثربخشی خدمات مشاوره را به میزان قابل توجهی افزایش دهد. همچنین پیشنهاد می‌شود پژوهشگران در مطالعات آینده، با استفاده از روش‌های کمی، کیفی و ترکیبی، اثربخشی مدل‌های نوین مشاوره مدرسه، نقش هوش مصنوعی و فناوری‌های دیجیتال در ارائه خدمات مشاوره، رابطه ویژگی‌های نسل آلفا با سلامت روان و نیز عوامل فرهنگی مؤثر بر موفقیت برنامه‌های مشاوره‌ای را در بافت آموزشی ایران بررسی کنند. در مجموع، تحقق این پیشنهادها

می‌تواند زمینه شکل‌گیری نظامی کارآمد، آینده‌نگر و پاسخگو برای حمایت از سلامت روان دانش‌آموزان و ارتقای کیفیت تعلیم و تربیت در مدارس معاصر را فراهم آورد.

منابع:

1. احمدی، ا.، و شعبانی، ح. (1400). مشاوره و راهنمایی در نظام آموزش و پرورش. تهران: انتشارات سمت.
2. براتی‌سده، ف.، و یوسفی، ن. (1399). نقش مشاوران مدارس در ارتقای سلامت روان دانش‌آموزان. فصلنامه پژوهش در مشاوره، 19(74)، 45-68.
3. حجازی، ا.، و کدیور، پ. (1398). روان‌شناسی تربیتی. تهران: انتشارات سمت.
4. شریفی‌درآمدی، پ. (1399). اصول و فنون راهنمایی و مشاوره. تهران: انتشارات رشد.
5. شفیع‌آبادی، ع.، و ناصری، غ. (1398). نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
6. شکوهی یکتا، م.، و پرند، آ. (1401). سلامت روان دانش‌آموزان و نقش خدمات مشاوره مدرسه. فصلنامه سلامت روان، 24(2)، 93-112.
7. وزارت آموزش و پرورش. (1390). سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. تهران: شورای عالی آموزش و پرورش.
8. American School Counselor Association. (2019). ASCA National Model: A Framework for School Counseling Programs (4th ed.). Alexandria, VA: Author.
9. Bronfenbrenner, U. (1979). The Ecology of Human Development: Experiments by Nature and Design. Harvard University Press.
10. Luthans, F., Youssef-Morgan, C. M., & Avolio, B. J. (2015). Psychological Capital and Beyond. Oxford University Press.

11. OECD. (2021). *Beyond Academic Learning: First Results from the Survey of Social and Emotional Skills*. Paris: OECD Publishing.
12. Seligman, M. E. P. (2011). *Flourish: A Visionary New Understanding of Happiness and Well-being*. New York: Free Press.
13. Seligman, M. E. P., & Csikszentmihalyi, M. (2000). Positive Psychology: An Introduction. *American Psychologist*, 55(1), 5–14.
14. Steinberg, L. (2020). *Adolescence* (12th ed.). New York: McGraw-Hill Education.
15. UNESCO. (2021). *Reimagining Our Futures Together: A New Social Contract for Education*. Paris: UNESCO.
16. World Health Organization. (2021). *Guideline on School Health Services*. Geneva: World Health Organization.

The Evolving Role of School Counselors in Addressing the Psychological Challenges of Generation Alpha

Azam Amiri

M.A. in General Psychology

Email: Moshaver.nemooneh2@gmail.com

Abstract

The emergence of Generation Alpha, the first generation to grow up from birth in an environment shaped by digital technologies, the Internet, social media, and artificial intelligence, has brought profound changes to educational systems, particularly in the areas of mental health, learning, and student development. Characteristics such as unrestricted access to information, continuous interaction with technology, changing communication patterns, reduced attention span, increased vulnerability to anxiety, psychological stress, dependence on cyberspace, and the growing complexity of social relationships have highlighted the urgent need to redefine the role of school counselors. Under these circumstances, school counselors are no longer limited to intervening after problems arise; instead, they serve as facilitators of student development, promoters of mental health, educators of life skills, preventers of psychological problems, and coordinators of collaboration among schools, families, and communities.

This scientific-promotional article examines the evolving role of school counselors in addressing the psychological challenges of Generation Alpha through a descriptive-analytical approach based on library and documentary research. The study analyzes the psychological and social characteristics of this generation, the major mental health challenges faced by students, contemporary approaches to school counseling, and the capacity of school counselors to respond effectively to students' emerging needs. Furthermore, it explores the counselor's role in promoting mental health literacy, teaching social-emotional skills, fostering resilience, preventing cyber-related risks, managing psychological crises, developing self-regulation skills, and increasing family participation in educational processes.

The findings indicate that the effectiveness of school counseling services in the era of Generation Alpha depends more than ever on shifting from traditional, problem-centered, and treatment-oriented approaches to preventive, developmental, and evidence-based models. The results also suggest that strengthening counselors' professional competencies, integrating modern technologies into counseling services, enhancing collaboration between schools and families, improving communication skills, and implementing comprehensive school-based mental health programs play a significant role in improving students' psychological adjustment, well-being, academic motivation, and overall quality of life. Overall, the transformation of the school counselor's role can contribute to the creation of safe, supportive, and responsive learning environments and better prepare students to cope effectively with the personal, social, and technological challenges of the contemporary world.

Keywords: School Counselor, Generation Alpha, Mental Health, School Counseling, Psychological Challenges, Resilience, Life Skills, Students' Mental Health, Digital Technologies, Education System.